باید به خرداد ۸۴ بازگردیم

ادامه از صفحه ۷

بنابراین، امکان اشتباه باید به حداقل برسد تا بتوانیم حداقل ظرف چهارسال آینده اقتصاد را به سال ۸۴ برگردانیم. پیش‌بینی من آن است حداکثر کاری که ظرف این چهارسال می‌توان انجام داد، برگرداندن اقتصاد به وضعیت خرداد ۸۴ است. واقعیت این است که در خرداد ۸۴ اقتصاد در مسیر پرش بود. کافی بود با اتخاذ سیاست‌های متعادل، مسیر برنامه سوم ادامه می‌یافت. آن وقت امروز در شرایط اضطرار و بحران رکود تورمی و بیکاری غیرقابل تحمل نبودیم.

فکر می‌کنید در سال ۹۲ چه اتفاقی می‌افتد؟ کدام متغیرهای اقتصادی بهبود پیدا می‌کنند؟

با توجه به شرایط فعلی، در سال ۱۳۹۲ بهبود جدی در هیچ‌یک از متغیرهای اصلی صورت نخواهد گرفت. همین که بتوانیم حرکت در مسیر صحیح را شروع کنیم، گامی بلند به جلو خواهد بود. همین که بتوانیم بودجه نامتوازن فعلی دولت را حل کنیم، گامی بزرگ برداشته شده است. حتی بعضی از متغیرها به ظاهر موقعیتی بدتر پیدا خواهند کرد. مثلا نرخ بیکاری بالاتر خواهد رفت. چرا؟ زیرا با امیدی که طی انتخابات اخیر در دل‌ها جوانه زده است، بسیاری از جوانانی که دیگر امیدی به پیداکردن کار نداشتند، حالا در جرگه جویندگان کار قرار می‌گیرند. در این مورد وضعیت ما در حال حاضر بسیار بد است. از حدود ۶۰میلیون‌نفر که در سن کار هستند، فقط ۲۰میلیون‌نفر کار می‌کنند. در عین حال، نرخ بیکاری هم بسیار پایین اعلام می‌شود، چون عده زیادی از افرادی که می‌توانند کار کنند دیگر متقاضی کار نیستند و امیدی به یافتن کار ندارند. بخشی از آنان شغل دانشجویی را انتخاب کرده‌اند و دانشجویی نوعی بدیل بیکاری در سال‌های اخیر بوده است، نه اینکه آنان واقعا امیدی داشته باشند که با ادامه تحصیل راه به جایی ببرند. بنابراین، نمی‌توان در هیچ سناریویی از اقتصاد ایران پیش‌بینی کرد که در سال ۹۲ مثلا ما رشد اقتصادی مثبتی خواهیم داشت یا می‌توانیم نرخ بیکاری را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش دهیم یا اینکه می‌توانیم سرمایه‌گذاری را سرعت بخشیم. در سال ۹۲ باید حرکت در مسیر برنامه سوم را ادامه دهیم. در همه حوزه‌های اقتصادی اصلاح جدی لازم است. اصلاح نظام بانکی، اصلاح ارز، اصلاح شیوه‌های سرمایه‌گذاری و اصلاحاتی از این دست. باید کسری بودجه را درمان کرد. باید تلاطمات ارز را کنترل کرد. باید مشکلات نظام بانکی را حل کرد. باید نظام کنترل قیمت‌ها را رها کرد. باید قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کرد. از همه مهم‌تر باید مساله تورم را حل کرد. در مورد همه این متغیرها باید حرکت‌های مثبتی صورت گیرد. باید بدهی را به بانک‌ها و بانک مرکزی کاهش داد. باید بنگاه‌های عمومی غیردولتی کمتری داشت. باید تراز تجاری را اصلاح کرد و در پیشانی همه این اقدامات طبعا رفع مناقشه هسته‌ای و رفع مشکل تحریم‌هاست تا بتوان با کاهش تورم، رشد اقتصادی را بهبود بخشید، بیکاری را تسکین داد و وضعیت معیشتی مردم را بهتر کرد و کاهش فقر در جامعه را ممکن کرد. برای این کارها باید از همه ابزارهای لازم استفاده کرد: مدیران اقتصادی دانایی که انتخاب می‌شوند در قالب برنامه‌ای جامع باید به سمت اصلاح وضعیت حرکت کنند و در چنین شرایطی است که می‌توان امید داشت که بعد از گذشت چند سال، رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد پیدا شود و شاید در فاصله‌ای دورتر، به رقم اشتغال هر سال ۷۰۰هزارنفری سال‌های ۸۰ تا ۸۵ برگردیم.

درباره مساله بدهی دولت و بانک‌ها به بانک مرکزی چه فکری باید کرد؟ این مساله را چگونه باید حل کرد؟

ظاهرا این مساله را با یک ترفند حسابداری حل کرده‌اند. گرایش بسیار زیادی وجود دارد که نشان دهند دولت به بانک مرکزی بدهکار نیست. عجیب است که این همه به تظاهر و حفظ ظاهر دل بسته‌اند؛ این گرایشی جدید در تاریخ کشور است که دولتی تا این حد خود را به ظواهر اعدادی که واقعیت ندارند دلخوش کند: بگوید بیکاری بهبود یافته است؛ تولید ملی بالا رفته است؛ تورم و نقدینگی کنترل شده است؛ پول ملی تقویت شده است؛ ... و این همه را با تحریف اعداد و گاه با مخفی‌کردن آمار ادعا کند. امروز هم می‌خواهد مدعی شود دولت به بانک مرکزی بدهکار نیست و این کار را با ثبت حسابداری انجام دهد.

گویی کتمان صورت مساله و واقعیت، چیزی از آلام مردم می‌کاهد و تظاهر مساله‌ای را حل می‌کند. واقعیت این است که دولت به بانک مرکزی بدهکار است و تغییر نرخ ارز برای اینکه این بدهی را رفع و رجوع کنیم، کمکی به اقتصاد نمی‌کند؛ با این دستکاری مساله‌ای از اقتصاد حل نمی‌شود. اگر هم خوش‌انگاری و دلخوشی ما را بیشتر می‌کند، واقعیت را که تغییر نمی‌دهد. مشکل بدهی دولت و بانک‌ها به بانک مرکزی که بخشی از مشکل کلی نظام بانکی است، تا حدی حاصل عدم استقلال بانک مرکزی است، بخشی از ضعیف‌بودن دستگاه نظارتی بانک مرکزی است ... . واقعیت این است که بانک مرکزی ما هرگز تا این حد ضعیف نبوده که نتواند در مقابل خواست‌های غیراقتصادی دولت و طمع بخش خصوصی مقاومت نکند.

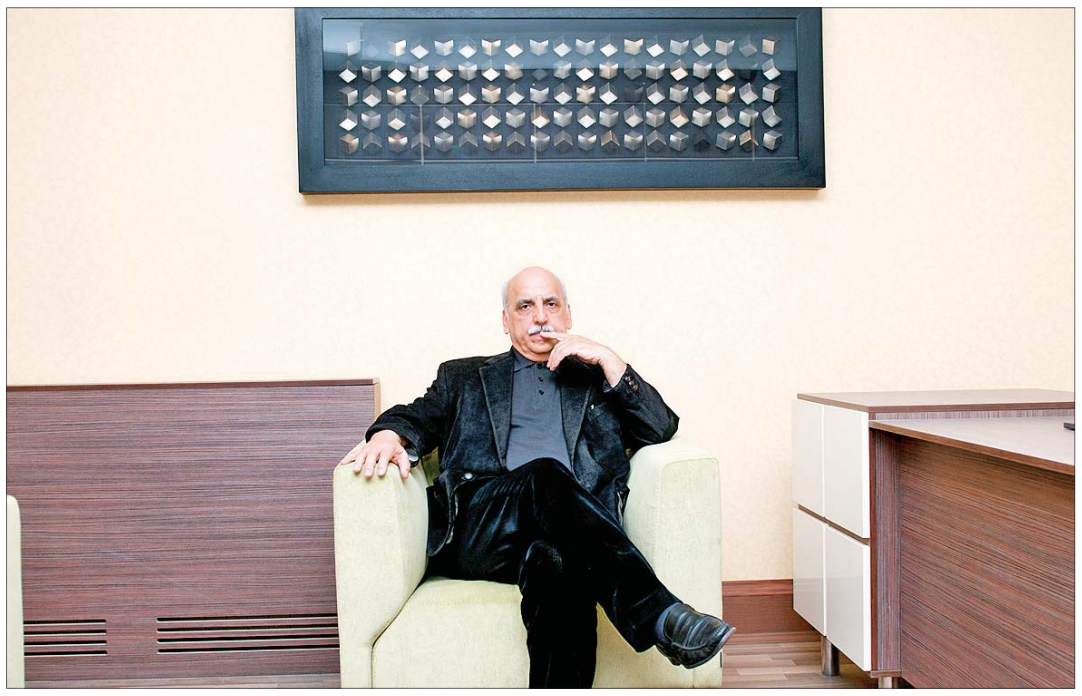

در مورد اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، چه فکر می‌کنید؟

قانون مصوب مجلس است: اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و افزایش ۳۸درصدی آن قانون است. دولت دهم باید تا امروز این اصلاح قیمت را انجام می‌داد. این حداقل ازخودگذشتگی دولتی است که در حال خروج از قدرت است تا راه را برای موفقیت دولتی که از راه می‌آید باز کند؛ اگر دولتی منافع ملی را در نظر بگیرد، حداقل کاری است که انجام می‌دهد. متاسفانه دولت دهم حاضر نشده این گذشت‌های کوچک را برای بازکردن راه موفقیت دولتی که می‌آید انجام دهد. دولتی که به‌طور مداوم به این فخر می‌کند که من آن دولت شجاعی بودم که اصلاح قیمت‌ها و هدفمندکردن یارانه‌ها را انجام دادم، حالا حاضر نیست یک قدم کوتاه بردارد و اقدام قانونی خود را در حوزه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی انجام دهد. حاضر نیست قیمتی را که در بودجه آمده است، مبنای اعمال

حداکثر کاری که ظرف این چهارسال می‌توان انجام داد، برگرداندن اقتصاد به وضعیت خرداد ۸۴ است. واقعیت این است که در خرداد ۸۴ اقتصاد در مسیر پرش بود. کافی بود با اتخاذ سیاست‌های متعادل، مسیر برنامه سوم ادامه می‌یافت. آن وقت امروز در شرایط اضطرار و بحران رکود تورمی و بیکاری غیرقابل تحمل نبودیم

نرخ برای کالاهای اساسی قرار دهد. کالاهای اساسی که توزیع می‌کند به قیمت هزارو۲۲۶تومان است، ولی وقتی با بانک مرکزی می‌خواهد حساب کند، آن ارز را به قیمت ارز مبادله‌ای دوهزارو۵۰۰تومان مبنای تسویه قرار می‌دهد. جای تاسف است که کمک‌های کوچکی هم برای اصلاح امور و کمک به دولت یازدهم انجام نمی‌دهد. به هرحال، اصلاح قیمت حامل‌های انرژی قانون است و اگر دولت یازدهم که عملا در نیمه دوم سال، قدرت را برعهده می‌گیرد، در چارچوب اقتصاد سیاسی اصلاح قیمت‌ها را صلاح نداند، ناچار است به مجلس رجوع کند و این اقدام را به آینده موکول کند. به نظر می‌رسد در شرایط امروز اقتصاد ایران و با توجه به انتظاراتی که به‌رغم هشدارها از دولت یازدهم می‌رود، امکان افزایش قیمت‌ها طبق بودجه برای دولت یازدهم نیز وجود ندارد، کاری که باید دولت دهم در آغاز امسال یا حداقل در تاریخی که بودجه به آن ابلاغ شد انجام می‌داد.

به نظر شما چگونه باید تلاطمات ارزی را کنترل کرد؟

مردم امروز کالاها و خدمات را براساس ارز قیمت‌بالا دریافت می‌کنند. دلار چندین ماه قبل به چهارهزارتومان نزدیک شد. اگر از مسیر نظریه چسبندگی قیمت‌ها بخواهیم تحلیل کنیم، تولیدکنندگان و خرده‌فروشان قیمت‌های خود را با این ارز چهارهزارتومانی تطبیق دادند و امروز حتی اگر ارز سه‌هزارتومان هم شود، قیمت‌های خود را کاهش نخواهند داد. از طرف دیگر، ما آن کشوری بوده‌ایم که طی سال‌های اخیر، به ویژه هشت‌سال اخیر، چینی‌ها را در درجه اول و بقیه دنیا را در درجه دوم دریافت‌کننده یارانه از ایران کرده‌ایم. ارز را به آنها به قیمت‌های ارزان داده‌ایم و اجازه داده‌ایم تا از کبریت گرفته تا دیوارهای پیش‌ساخته و تا ماشین‌آلات به کشور ما صادر کنند. قیمت‌های ماشین‌سازان داخلی البته خیلی بالا بود و با دلار هزارتومان واردات همه نوع ماشین‌آلات از چین صرف می‌کرد. امروز با نرخ دلار بالاتر البته صنایع سبک، ماشین‌سازی‌ها و بسیاری از صنایع دیگر دارند نفس می‌کشند و اگر شاهد ثبات قیمت ارز باشند، می‌توانند یک‌بار دیگر صنایع کشور را به حرکت درآورند. مهم‌ترین مساله در شرایط فعلی آن است که پس‌اندازها از مسیر دارایی‌های واقعی بگذرد، وگرنه اگر مردم از طلا به سمت ارز بروند، از ارز به سمت سهام در بازار ثانویه بروند، از بازار ثانویه سهام به سمت سفته‌بازی املاک و مستغلات بروند، چیزی گیر بخش واقعی اقتصاد نمی‌آید. نه سیب بیشتری تولید می‌شود، نه مسکن بیشتری تولید می‌شود، نه اتومبیل بیشتری تولید می‌شود و نه بهداشت بیشتری خواهیم داشت و نه آموزش ارتقا پیدا می‌کند. اقتصاد ما مالی شده است و این بسیار خطرناک است. پس‌اندازکنندگان از یک گروه دارایی‌های مالی به سمت گروه دیگری از دارایی‌های مالی حرکت می‌کنند؛ امری بسیار خطرناک. باید بخش واقعی اقتصاد نرخ‌های بازدهی بالایی بدهد تا مردم پس‌اندازهای خود را به آن سمت حرکت دهند. یکی از عمده‌ترین متغیرها در کاهش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ایران، متغیر ارز بوده است. ارز ارزان‌قیمت، نفس تولیدکنندگان را گرفته است. بنابراین، حالا که مردم هزینه ارز گرانقیمت را داده‌اند و خدمات و کالاهای خود را براساس ارز چهارهزارتومان دریافت می‌کنند، جا دارد از نقاط قوت و مزایای بالارفتن ارز نیز برخوردار شوند: یعنی، قدرت رقابتی تولید بالا رود، کارخانه‌هایی که متوقف شده است حرکت کنند، تولید حرکت کند و اشتغال ایجاد شود. تنها مزیت عمده ارز گرانقیمت آن است که تولید به حرکت درمی‌آید و اقتصاد جان می‌گیرد. در چنین شرایطی، هر نوع تلاش دولت برای پایین‌آوردن قیمت ارز مخرب است. البته، اگر اقتصاد توان کافی پیدا کند و بدون دخالت دولت قیمت ارز پایین بیاید، هیچ اشکالی ندارد. مشکل آنگاه پدید می‌آید که دولت دوباره وسیله شود که همان باقیمانده ارز خود را هم از طریق فروش ارزان‌قیمت به جیب عده‌ای محدود بریزد و مردم و تولیدکنندگان آسیب ببینند و اشتغال بهبود نیابد. تمام تلاش ما باید در جهت حمایت از دولت و استفاده از سرمایه اجتماعی ایجاد شده سامان یابد. نقد سیاست‌ها طبعا با هدف کمک به دولت است و این کمک باید در همه وجوه انجام شود.

ادامه از صفحه ۷

سیاست‌های اقتصادی چالش‌ها و راهکارها

البته در شرایطی که اجرای سیاست‌های مالی انبساطی به صورت هماهنگ با سیاست‌های پولی انقباضی همراه شود، می‌توان انتظار داشت که نرخ تورم، پایین و کنترل شده باشد. اما این امر با توجه به مطالب ذکرشده در قسمت قبل، حداقل در سال‌های مورد بررسی در مورد اقتصاد ایران صادق نیست. یعنی در این سال‌ها همواره شاهد انبساط پولی و انبساط مالی دولت بوده‌ایم. نتیجه این امر نیز به صورت افزایش سطح قیمت‌ها خودنمایی خواهد کرد. از سوی دیگر در شرایطی که در سال‌های اخیر به هر دلیل تورم در ایران به‌طور میانگین برابر ۱۵درصد بوده و این رقم در کشورهای عمده طرف تجاری ایران در حدود دودرصد است، نرخ ارز تقریبا ثابت نگه‌داشته شده است. این امر در حالی است که براساس قواعد اقتصادی در سیستم نرخ ارز شناور مدیریت‌شده (سیستم فعلی ایران) نرخ ارز سالانه باید برابر با اختلاف تورم داخلی و تورم خارجی افزایش می‌یافت. با نگاهی به وضعیت اجرای سیاست‌های اقتصادی در سال‌های گذشته این نکته قابل دریافت است که اجرای بسیاری از این سیاست‌ها با اهداف برنامه‌ها و اسناد بالادستی کشور مغایرت دارد. اما شاید تصور و شناخت نادرست دولت از اقتصاد موجب اتخاذ تصمیمات گاها غیرعلمی شد. بدون‌شک دولت آینده که با شعار اعتدال و امید پای به میدان گذاشته، دارای برنامه‌های جدی جهت بهبود شرایط فعلی اقتصاد است. اما در این میان باید به چند نکته توجه داشت: در درجه اول و به عنوان مهم‌ترین راهکار، بهبود فضای موجود دولت آینده باید به قواعد اقتصادی احترام گذاشته و به وجود قانونمندی‌های علم اقتصاد و بازارهای مالی اعتقاد داشته باشد. اگر واقعا دولتمردان آینده و به‌خصوص رییس‌جمهور منتخب چنین اعتقادی داشته باشند، تصمیمات اقتصادی کشور به اقتصاددانان سپرده شده و از اعمال تفکرات سیاسی در تصمیمات اقتصادی به‌شدت جلوگیری می‌شود. بدیهی است در چنین شرایطی مواردی همچون استقلال بانک مرکزی به عنوان مرحله گذار به رعایت انضباط پولی امری مهم و ضروری خواهد بود. مطلب دیگری که در این نوشتار به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین دلایل مشکلات فعلی اقتصاد ایران به آن اشاره شد بحث بی‌انضباطی مالی دولت بود. در راستای حل این معضل، پیشنهاد می‌شود سازمان‌هایی مانند سازمان برنامه‌وبودجه و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مجددا راه‌اندازی شوند تا به این وسیله هم از مغایرت سیاست‌های اقتصادی دولت با اهداف اسناد بالادستی کشور جلوگیری شود و هم با تنظیم صحیح و به‌موقع لوایح بودجه سنواتی از مشکلاتی که در این سال‌ها در اثر بی‌توجهی به این موارد ایجاد شد، جلوگیری شود.

* دانشجوی دکترای اقتصاد مدرس دانشگاه

ادامه از صفحه ۷

تاثیر سیاست‌های پولی و بانکی بر جامعه

۳- مکلف دانستن بانک‌ها به کمک به بودجه و برنامه‌های عمرانی دولت. این امر در فصل چهارم قانون تحت عنوان «سیاست پولی» آمده و درواقع نوعی سیاست بودجه است، نه سیاست پولی. در بسیاری از قوانین قبلی نیز این ملاحظه کم‌وبیش مطرح بوده اما در این قانون ابعاد وسیع‌تری یافته و تاکیدی است بر اینکه اصولا حکومت‌ها در ایران فعالیت بانکی را حیطه‌ای جدا از فعالیت بودجه‌ای خود نمی‌دانند و از ابتدا آن را از حواشی روش‌های تامین مالی دولتی تلقی کرده‌اند.

دولتی‌بودن بانک‌ها و تکلیف‌های بودجه‌ای و دولتی در تخصیص منابع به‌تدریج آثار خود را به‌صورت ناکارآیی در ارایه خدمات، ساختار مالی مساله‌دار، شرایط انحصاری و طرح پرونده‌های قضایی متعدد نشان داد. از دهه ۱۳۷۰ با پیگیری سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی تلاش‌هایی برای جلب توجه مراکز سیاسی به این مشکلات و یافتن راه چاره آغاز شد. یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در چارچوب قانون برنامه سوم توسعه، اجازه فعالیت مجدد بانک‌های خصوصی بود. شروع فعالیت بانک‌های اقتصاد نوین (۱۳۸۰)، پارسیان (۱۳۸۰) و سامان (۱۳۸۱) به‌عنوان اولین بانک‌های خصوصی به این نحو رقم زده شد.

تحول مهم دیگر در ارتباط با اصل ۴۴ قانون اساسی مربوط به تفسیر ذیل اصل ۴۴ است. بررسی در این مورد از سال‌های دهه ۱۳۷۰ در مراکز مختلف و بالاخره در مجمع تشخیص مصلحت (از سال ۱۳۷۷) در جریان بوده است. پس از بحث‌های کارشناسی و چالش‌های سیاسی مختلف تفسیر نهایی مربوط به برخی از بندها (در سال ۱۳۸۴) و بند مربوط به «توسعه بخش غیردولتی از طریق خصوصی‌سازی» (در سال ۱۳۸۵) ابلاغ شد. اقدام دیگری که در این ارتباط می‌توان قدمی به عقب تلقی کرد، تلاش قسمت‌های دیگری از بوروکراسی برای حفظ کنترل بر بخشی از شرکت‌های دولتی بود و آن نیز توفیق در کسب مجوز برای اجرای طرح سهام عدالت در سال ۱۳۸۵ بود. به این نحو کنترل بر سهام برخی شرکت‌ها که قرار بود خصوصی شود در چارچوب تشکیلات سهام عدالت در دست دولت باقی ماند، بدون اینکه نظارت‌های متعارف بر شرکت‌های دولتی برقرار باشد. در این ارتباط می‌توان به اقدام برای خصوصی‌سازی برخی بانک‌های دولتی توجه کرد. مقدمات اقدام برای خصوصی‌سازی تعدادی از بانک‌های دولتی (بانک صادرات، ملت، تجارت، رفاه و پست‌بانک) از سال ۱۳۸۶ آغاز شد اما تاکنون اثری مشابه ایجاد بانک‌های خصوصی به‌همراه نداشته است.

فرصت‌های حاصل از ایجاد بانک‌های خصوصی

شروع فعالیت بانک‌های خصوصی در ایران با استقبال مردم روبه‌رو شد. همین امر باعث توسعه سریع شبکه بانک‌های خصوصی در سطح کشور شد به‌نحوی که برخی از این بانک‌ها در مدت کوتاهی، از منظر ارایه خدمات بانکی مختلف، از بسیاری از بانک‌های دولتی پیشی گرفتند. فهرست فرصت‌های فراهم‌شده توسط بانک‌های خصوصی به‌اختصار عبارت است از:

۱- معرفی نوآوری‌های تکنولوژی در خدمت‌رسانی (به‌رغم تحریم‌های اقتصادی) و فراهم‌آوردن امکان انجام امور بانکی برای صاحب حساب در شعب مختلف بانک در سراسر کشور و توجه خاص به سرعت و کارآیی در ارایه خدمات و احترام به مشتری. در آن مقطع این امر در مقایسه با بانک‌های دولتی برای مشتریان درخور توجه و تحسین‌برانگیز بود. معرفی وسیع خودپردازها و پایانه پرداخت در محل فروشگاه‌ها در حد بی‌سابقه و ایجاد آشنایی خریداران و فروشندگان با فرهنگ جدید معامله و عملیات بانکی.

۲- به‌منظور ارایه خدمات کارآمد، بانک‌های خصوصی اقدام به شناسایی و کسب مهارت‌های سازمانی و مدیریتی متناسب با مدیریت شرکت‌های مالی بزرگ به‌نحو بی‌سابقه کردند و تجربه جدیدی در مدیریت را در کشور عملی ساختند.

۳- نسل جدید مدیران بانک‌های خصوصی از حلقه محدود مدیران واحدهای دولتی و سنتی متمایز بودند و به‌همین دلیل نیز در فعالیت‌های خود وجوه آرمانی را نیز از نظر دور نداشتند. برای مثال می‌توان توجه گسترده مدیران به فراسوی سودآوری از جمله تمایل به ایجاد نهادهای اقتصادی بزرگ و ماندگار برای کشور، توجه به نقش اجتماعی شرکت‌های سهامی بزرگ مانند پرداخت سریع مالیات و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و مانند آن را نام برد.

۴- ایجاد رونق در فعالیت‌های اقتصادی از طریق جذب پس‌اندازها، تخصیص منابع و کار با مشتریان جدید و حیطه‌های جدید فعالیت، یعنی مشتریانی که روابط اداری بانک‌های دولتی آنها را در حاشیه قرار می‌داد.

۵- تجربه جدید در تدارک آموزش و تربیت نیروی انسانی با مهارت کاربردی در حد وسیع، که گسترش سریع بانک‌های خصوصی را عملی کرد.

۶- اشاعه فرهنگ جدید کاری (احترام به مشتری و سرعت در ارایه خدمات بانکی) و نوآوری در سازمان فیزیکی محیط کار مانند کارکنان مودب و کارآمد و فراهم‌آوردن محیط کاری مطبوع و آراسته برای کارکنان و مشتریان.

۷- اشتغال‌زایی برای تعداد چشمگیری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی.

۸- ایجاد شرایط مالکیت گسترده از طریق ارایه سهام بانک‌ها در بازار سهام.

۹- ظهور بخش خصوصی حساس به کارکردهای سیاست‌های اقتصادی دولت؛ چه برخلاف بسیاری از بخش‌های دیگر بانک‌های خصوصی در مدت زمان اندکی آثار تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولتی را بر رفتار و واکنش‌های مشتریان (سپرده‌گذاران و عاملان اقتصادی متقاضی اعتبارات) دریافت کرده و اثر اینگونه تصمیم‌ها را بر امکان فعالیت و سود و زیان خود ارزیابی می‌کردند.

۱۰- ایجاد شرایط رقابت و در نتیجه تحرک بیشتر در کارکرد بانک‌های دولتی.

مشکلات و تهدیدهای پیش‌رو

در مقابل فرصت‌های موجود، تهدیدات و مشکلاتی نیز وجود دارد که توجه به آنها ضروری است. این مشکلات به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱- نگرانی برخی نهادهای عمومی از موسسه‌های اقتصادی بزرگ خصوصی و پیامدهایی که این امر برای بانک‌های خصوصی داشته است.

۲- تلاش جریان‌های سیاسی در کسب کنترل بر منابع انباشته در هر نهاد، از جمله شرکت‌های سهامی بزرگ شامل بانک‌ها. خرید سهام برخی بانک‌ها توسط برخی نهادهای بخش عمومی برای کنترل مدیریت که در اصل حرکتی در جهت عکس خصوصی‌سازی تلقی می‌شود.

۳- بی‌توجهی به بانک به‌عنوان یک نهاد اقتصادی (انتظار مشارکت در برنامه‌های رفاهی دولتی، جبران کمبود منابع دولت، واگذاری اعتبار و توقع سهل‌انگاری در استرداد وام‌ها، نبود ابزارهای تنبیهی کافی در اختیار بانک‌ها برای برخورد با مشتریان بدحساب و... و افزایش معوقه‌ها).

۴- بلاتکلیفی تاریخی درمورد نرخ سود سپرده و نرخ هزینه تسهیلات و تعارض‌های حاصل از آن.

۵- نبود ابزارها و سازوکارهای اقتصادی متعارف اجرای سیاست پولی و درنتیجه ورود بانک مرکزی و دولت در جزییات امور مدیریتی، تخصیص منابع و روش‌های جذب سپرده بانک‌ها.

۶- تمرکز قوانین بانکی موجود بر معاملات کالایی به‌ویژه تجارت سنتی. عدم تدارک ریسک لازم در قوانین، احتساب سرمایه انسانی در حد سرمایه فیزیکی به‌عنوان پشتوانه دریافت اعتبار، تامین مالی نوآوری، عدم تدارک برای بازارهای پیشانه و به‌کارگیری ابزارهای جدید مالی و... که معمولا از نبود اختیار کافی برای مدیران بانک‌ها در تعیین پارامترهای اقتصادی ناشی می‌شود.

۷- ادامه بلاتکلیفی تاریخی درمورد نرخ مبادله ارزها.

۸- تداوم تحریم‌های بین‌المللی.

جدول ۱۷۴۵

افقی:

۱- دروازه بان ذوب‌آهن - برتری‌ها ۲- واحد شمارش چارپا - تاریخ نگار - برخوردار ۳- پایتخت غنا - تکیه - احترام ۴- نشانه‌ها - نام سابق اصفهان - نوعی زغال‌سنگ ۵- امتزاج آب با جسمی - خبرگزاری شوروی سابق - شاد وارونه! ۶- کیک معروف - ذات - مجلس روسیه ۷- حافظ را به شاخه نبات سوگند دهند واز او گیرند - بوته خربزه - تیم بلژیکی ۸- بالا رفتن حرارت بدن - نام ورزشگاه خانگی تیم فوتبال ناپولی - برابر و مساوی ۹- سوم شخص جمع - از اقلیت‌های مذهبی - گل کرشمه ۱۰- شکافنده - رنگ نفرت - کبوتر دشتی ۱۱- لوله گوارشی - دورویی - بجا آوردن ۱۲- ضمیر عربی - زندان معروف فرانسه - خوراکی از تخم مرغ ۱۳- هافبک آرژانتین - مزه خرمالو - عقیده ۱۴- خلق کردن - شهر زیارتی - آسمان جل ۱۵- قطع کردن - از باشگاه‌های انگلیس

عمودی:

۱- کشور همسایه - از فنون کشتی ۲- دست‌نخورده - عملی در کشاورزی - شکوه ۳- کشور صهیونیستی - بدبخت - طلایی ۴- بیماری قرن - پرنده‌اش سرد کن - کلمه‌ای برای تاکید ۵- شهر سوهان - وسیله‌ای برای بالا رفتن - طرد کردن ۶- نخست - سنت - زندگی ۷- خوشحال - پنچرگیری ۸- فرمانده بدن - کاپیتان لیورپول - فلز رسانا ۹- تیم سابق کمپبل - گردش و تفرج در صحرا ۱۰- هافبک انگلیس - شهر روی آب - اشتباه ۱۱- هاون - نام پیامبری - رودشولوخف ۱۲- طلایی - نوبت بازی - کج و خمیده ۱۳- واحد مقاومت الکتریکی - بعید - شغل شتر قصه‌ها ۱۴- از اقمار سیاره مشتری - از گل‌های زیبا - شاعر سوررئالیست فرانسوی و خالق اثر اورلیا ۱۵- از بازیکنان تیم ملی والیبال جوانان ایران - کتاب مشهور گوته

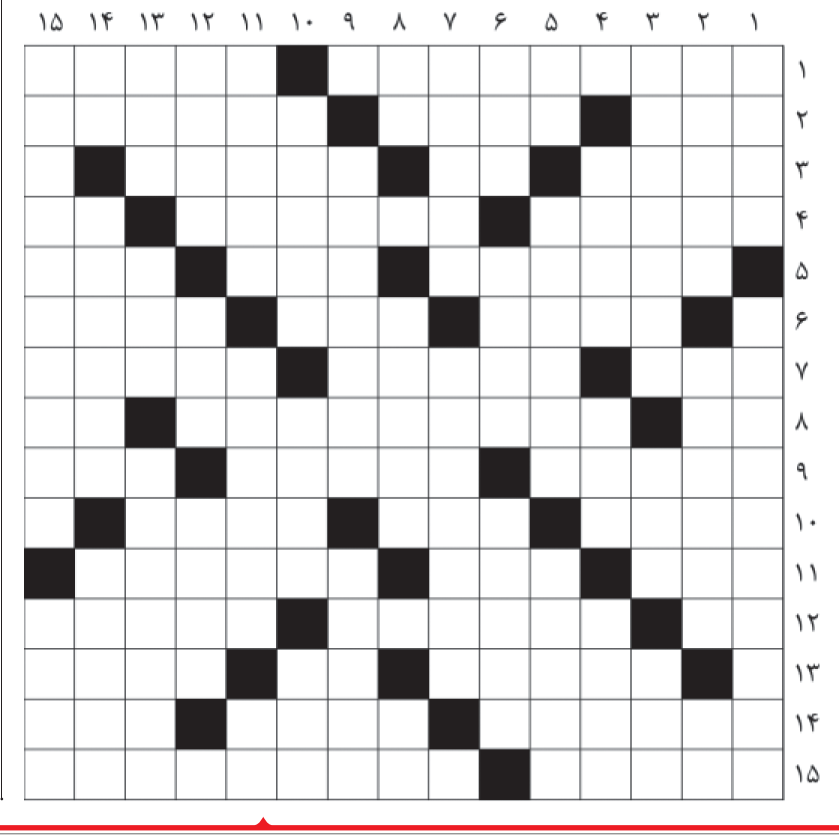

جدول ۱۷۴۴

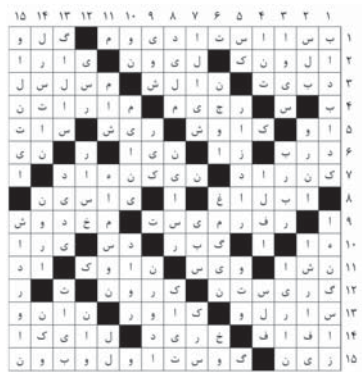

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۳۹۷

۱		۶		۸		۴		
	۴			۶			۱	
	۳		۹			۲	۶	
	۷	۹				۸		
۳		۲						۱
۵			۷	۹				
	۵		۸	۷			۲	
۸	۶					۵		
				۴		۱		۳

حل سودوکو سخت

۱	۷	۸	۹	۴	۶	۳	۲	۵
۸	۶	۹	۱	۲	۳	۷	۴	۱
۴	۳	۲	۷	۸	۵	۶	۹	۱
۶	۲	۱	۸	۷	۹	۴	۵	۳
۷	۹	۵	۳	۱	۴	۲	۸	۶
۳	۴	۷	۲	۵	۸	۱	۶	۹
۹	۱	۴	۶	۳	۲	۵	۷	۸
۵	۸	۶	۴	۹	۷	۳	۱	۲
۲	۵	۳	۸	۶	۱	۷	۹	۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۴۸

۶		۸	۵		۳		۲	
۱			۸			۹	۳	۵
	۲		۷	۱	۹			
۷	۶	۱			۴		۵	
۴		۲		۷	۸	۳		
		۹				۶	۷	
۲					۷		۸	۱
	۳				۵	۲	۴	۶
۸		۵	۴	۶				

حل سودوکو ۷۴۷

۷	۹	۴	۱	۸	۳	۲	۵	۶
۱	۲	۳	۶	۷	۵	۸	۴	۹
۶	۸	۵	۲	۴	۹	۷	۱	۳
۲	۵	۱	۷	۹	۴	۶	۳	۸
۹	۳	۸	۵	۱	۶	۴	۲	۷
۴	۷	۶	۳	۲	۸	۱	۹	۵
۳	۴	۷	۸	۵	۲	۹	۶	۱
۸	۶	۲	۹	۳	۱	۵	۷	۴
۵	۱	۹	۴	۶	۷	۳	۸	۲